

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عزت آهنگر "نیزک"

ندای میهن

مرا دریاب!
رهایم ساز،
ای فرزند آگاهم.
دگر تاب و توانم نیست،
دگر روح و روانم نیست،
بس این آتشفشانم نیست!
مگر آیا جز این مشت فریب و خُده و نیرنگ،
تفنگدارن بی فرهنگ،
جرسداران بد آهنگ،
که دارند کاروان را لنگ،
من آن چابکسواران را،
غیوران شیرمردان را،
بخون خود نپروردم؟
من آن انسان آگاهی که دردم را بداند،
از وجود خود نزائیدم؟
نه اینطور نیست:
همه در خواب و رؤیاهای شیرین اند،

همه در فکر فرداهای رنگین اند،
گروهی نیز در افکار پیشین اند.

بخود آئید!

شما ای شیرۀ جانم،

شما ای قهرمانانم،

شما ای نسل افغانم،

که در هر گوشه ای از این قفسهای طلایی لانه بنمودید،

قفس تنگ است برایتان!

شما شاهین به پروازید،

شما نیرو و آوازید،

سر افرازید، سرافرازید!!!

بخود آئید!

تن تبار و صد زخم دگرمرهم ز دست خویش میخواد.

پرستارم شوید آخر!

چرا بسپرده ایدم بر پرستاران بیگانه؟

که در این بستر بیماری خویش هم به زنجیرم،

غل و زنجیر را دیگر توانم نیست،

تن صد پاره ام باری دیگر با سرب داغ آزمون میگردد.

بخود آئید!

شما از رنج و درد جانفزایم باخبر هستید،

شما از واژه های عشق و ایمان بارور هستید،

شما امواج طوفانزا و خصم افکن ثمر هستید،

کجا شد رسم و آئین شهادتها، شهادتها؟

کجا شد قهرمانیها و غیرتها؟

کجا شد وحدت و رزم و ستیزتان برای کسب آزادی؟

بخود آئید!

نزاریدم بدست دشمنان غول بدفرجام،

که بندگان بر سرم پیمان،

و آنگه هر یکی عضوی ز اعضايم جدا سازند،
دگر آنگه نه من مادر توانم بود، نه تو فرزند نام آور.

چرا خوااموش و بيهاليد؟

چرا در خود همی باليد؟

چرا بيهوده ميناليد؟

بخود آئيد!

گذشت و انتظار تان،

زمان ابتكار تان،

چه وقت آخر فرا خواهد رسيد؟

ای اختران فصل بيداری،

در شبهای تنهایی ديرينم،

فروزان باد! يكبار دگر،

آن اخگران خفته در دامن اين صحرای سنگينم،

خروشان باد! آن امواج طوفانزای پارينم!!!